

# ماهیت گفتمان انقلابی چپ در ایران عصر مشروطه (پس از استقرار مجلس دوم)

جعفر مرادحاصلی<sup>۱</sup>

## چکیده

ظهور اشکال گوناگون هویت یکی از پدیده‌های مهم تاریخ ایران معاصر محسوب می‌شود. در میان این هویت‌های نوظهور، هویت انقلابی از جمله اشکال هویت‌های سیاسی جدید است که تأثیراتی ماندگار و عمیق بر جامعه ایران به جا نهاده است. در واقع، گفتمان هویت انقلابی در بستر زمینه‌ها و عوامل داخلی از جمله برخوردها و درگیری‌های بین احزاب و گروه‌های سیاسی مجلس دوم شورای ملی پدید آمد و ایدئولوژی‌های خارجی مانند مارکسیسم-لنینیسم ایدئولوژی و ابزارهای سازماندهی آن را فراهم آوردند. پرسش اصلی این مقاله این است که الگوی گفتمانی هویت انقلابی در ایران دوره مشروطه چگونه ساخته شد و مهم‌ترین عناصر مضمونی آن کدام بود؟ از خلال متون برجای مانده از انقلابیون اولیه ایرانی که به شکل اساسنامه و مرامنامه حزبی، اعلامیه، روزنامه، خاطرات و مانند اینها نوشته شده است، و با تکیه بر روش تحلیل تاریخی گفتمان می‌توان مجموعه‌ای از مضامین محوری را مورد شناسایی قرار داد که در دوره مجلس دوم مشروطه الگوی گفتمانی هویت انقلابی را بی‌افکنند. این الگو در پیرامون منظومه و عناصری معنایی شامل تغییر بنیادی، درک زیربنایی تاریخی، حزب‌گرایی و فعالیت مخفی، اولویت سیاست، بین‌الملل‌گرایی، مشروطه‌ستیزی و مخالفت با پارلمان‌تاریسم و خشونت و ترور ساخته شد. در تاریخ معاصر ایران هرگاه هویت انقلابی سر برآورده است می‌توان حضور تمامی این عناصر مضمونی یا دست‌کم تعدادی از آنها را در کانون منظومه‌های هویتی‌شان ملاحظه کرد. واژگان کلیدی: هویت انقلابی، گفتمان انقلابی، الگوی گفتمانی، عناصر مضمونی، مجلس دوم.

## Constructing a Discourse Pattern of Revolutionary Identity in Constitutional Iran

Jafar Moradhaseli<sup>2</sup>

### Abstract

The emergence of various forms of identity is one of the important phenomena of contemporary Iranian history. Among these emerging identities, revolutionary identity are among the forms of new political identities that have had lasting and profound effects on Iranian society. Indeed, the discourse of revolutionary identity emerged in the context of internal factors, including clashes between political parties and groups in the Second National Assembly, providing external ideologies such as Marxism-Leninism ideology and at once the means to organize it. The main question of this paper is how the discourse model of revolutionary identity was constructed in Iran during the constitutional period and what were its most important themes? Through the surviving texts of the early Iranian revolutionaries, written in the form of party statutes and charters, leaflets, newspapers, diaries, and so on, relying on the method of historical analysis of discourse, the paper aims to identify a set of central themes that in the course of the Second Constitutional Assembly developed the discursive pattern of revolutionary identity. This model was built around the system and semantic elements including radical change, understanding of historical underpinnings, partisanship and covert activity, policy priorities, internationalism, constitutionalism, and opposition to parliamentarianism and violence and terror. In the contemporary history of Iran, whenever there is a revolutionary identity, all these themes, or at least some of them, shape the locus of their identity systems.

Key words: revolutionary identity, revolutionary discourse, discursive model, thematic elements, third assembly.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی. این مقاله برگرفته از رساله دکتری جعفر مرادحاصلی در دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «تبارشناسی هویت انقلابی در ایران معاصر (از مشروطه تا تشکیل دولت پهلوی اول)» به راهنمایی دکتر محمدعلی اکبری است.  
\*تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ \*تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

2. Ph.D. Candidate in History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University. Email: jafamoradhaseli@gmail.com

## ۱- مقدمه

ظهور اشکال گوناگون هویت‌های جدید، از جمله مسائل مهم تاریخ معاصر ایران است. هیچ یک از این هویت‌ها در پیشینه جامعه ایران وجود نداشته‌اند و تنها نتیجه برخورد با افق جهان مدرن می‌باشند. از میان هویت‌های مختلف در ایران معاصر، هویت انقلابی نقشی اساسی در هویت‌یابی سیاسی ایفا کرده و در عرصه سیاسی ایران تأثیراتی دیرپا و ماندگار به جا گذاشته است. هویت انقلابی در ایران معاصر تحت تأثیر انتشار انواع گوناگون گفتمان‌های هویت‌ساز انقلابی در سطح جهانی قرار گرفت و در میان نزاع‌های قدرت گروه‌های سیاسی مختلف ایرانی بر سر تعریف هویت خود سر برآورد. به بیانی دیگر، هویت انقلابی در ایران معاصر نه پدیده‌ای یکپارچه و ثابت، بلکه موجودیتی سرشار از پیوست‌ها، گسست‌ها، جهش‌ها، جابجایی‌ها و تبارهای متعدد، متنوع و غیرخطی بوده است.

در واقع، در سیر تاریخی برساخت هویت انقلابی در ایران و تداوم مملو از پراکندگی و گسست آن، می‌توان کانون‌های بسیاری را برشمرد که به منظور تعریف این گفتمان فعال شدند، صورت‌بندی‌های مختلف از آن ارائه کردند و به شیوه‌های گوناگون بازنمایی‌اش کردند. جرقه‌های شکل‌گیری هویت انقلابی در ایران معاصر، در برخورد با خاستگاه‌ها و تبارهای متعدد و مختلف تولیدکننده گفتمان هویت انقلابی در سطح جهان، زده شد و در فاصله مشروطیت تا انقلاب اسلامی اشکال گوناگون هویت انقلابی را به صورت لایه‌هایی بر هم انباشته پدیدار کرد.

برای فهم مسئله هویت انقلابی در ایران معاصر و منظومه و عناصر مضمونی سازنده ملازم آن از جمله باورها، نظام مفاهیم و معانی، ایدئولوژی‌ها و آرمان‌ها و شیوه‌های عمل، به‌طور ناگزیر باید به مرحله شکل‌گیری الگوی گفتمانی آن هویت بازگشت. طرح مسئله الگوی گفتمانی هویت انقلابی از این نظر اهمیت دارد که در سراسر تاریخ معاصر ایران این الگوی گفتمانی همواره سایه خود را بر سر سنخ‌های گوناگون هویت‌های انقلابی افکنده است. بنابراین، در تاریخ معاصر ایران هر گاه هویت انقلابی سر برآورده است، می‌توان اثر و نشان الگوی هویت انقلابی را به‌سان تقدیری گریزناپذیر در آن مشاهده کرد. این الگوی گفتمانی در عصر مجلس دوم مشروطه ساخته شد. بر این بنیاد، پرسش اساسی این مقاله این است که الگوی گفتمانی هویت انقلابی در انقلاب مشروطه ایران چگونه ساخته شد و مهم‌ترین عناصر مضمونی آن کدام بود؟

گفتمان هویت‌ساز انقلابی در ایران عصر مشروطه، حول محور مجموعه‌ای از عناصر مضمونی اساسی ساخته شد و هویت انقلابی ایرانی بر مبنای آنها خود را تعریف می‌کرد. این عناصر معانی

و مضمونی کانونی، ساخت یک منظومه هویت‌یابی انقلابی را فراهم آوردند. نخستین گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی ایرانی در خلال مجلس دوم شورای ملی به نگارش رشته‌ای از متون گوناگون اقدام کردند و در خلال آنها به تثبیت هویت انقلابی پرداختند. این تلاش‌های اولیه برای صورت‌بندی عناصر و اجزای مضمونی هویت انقلابی بر تعریف هر گونه هویت انقلابی در سراسر تاریخ معاصر ایران تأثیر گذاشت. در واقع هر گاه هویت انقلابی در ایران معاصر سر برآورده است تمامی یا دست‌کم بخشی اساسی از این اجزا و عناصر را با خود به‌همراه داشته است. تغییر بنیادی، درک زیربنایی تاریخی، حزب‌گرایی و فعالیت مخفی، اولویت سیاست، بین‌الملل‌گرایی، مشروطه‌ستیزی و مخالفت با پارلمان‌تاریسم، و خشونت و ترور، مضامین اصلی سازنده هویت انقلابی پس از انقلاب مشروطه به‌شمار می‌روند.

## ۲- ملاحظات نظری و روش‌شناختی

این مقاله از روش تحلیل تاریخی گفتمان، برای بررسی موضوع الگوی گفتمانی هویت انقلابی در انقلاب مشروطه بهره می‌گیرد. رویکرد تاریخی گفتمان<sup>۳</sup> یکی از رویکردهای عضو جنبش تحلیل انتقادی گفتمان است که روث وداک،<sup>۴</sup> زبان‌شناس اجتماعی و نظریه‌پرداز انگلیسی - اتریشی، همراه با برخی از همکاران و دانشجویانش آن را صورت‌بندی کرده است. از نظر وداک «گفتمان» شیوه نشان‌دادن یک قلمرو خاص عمل گفتمانی از منظری ویژه است.<sup>۵</sup> به بیانی دقیق‌تر، گفتمان «فعالیت اجتماعی ساخت معانی با استفاده از زبان و نظام‌های نمادین دیگر در برخی از انواع خاص موقعیت یا چارچوب» است.<sup>۶</sup> هویت نیز فرایندی فرهنگی و مختص

۳. در ادبیات پژوهشی تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد تاریخی گفتمان روث وداک را (Historical - The Discourse Approach) به‌اختصار (DHA) و تحلیل انتقادی گفتمان (Critical Discourse Analysis) را (CDA) می‌نامند.

۴. روث وداک در سال ۱۹۵۰ در لندن به دنیا آمد. او در دانشگاه وین به تحصیل فلسفه، تاریخ و زبان‌شناسی پرداخت و در سال ۱۹۷۴ دکترای زبان‌شناسی گرفت و از آن پس در مقام استاد زبان‌شناسی اجتماعی، تدریس در همان دانشگاه را آغاز کرد. از سال ۲۰۰۴ به این سو، او استاد مطالعات گفتمانی در دانشگاه لانکاستر بوده است. وداک علاوه بر فعالیت‌های دانشگاهی، در مقام مدیر یا مشاور با مراکز و نهادهای مختلف دولتی در کشورهای اتریش، انگلستان و آمریکا و به‌عنوان عضو هیئت تحریریه با نشریه‌های علمی گوناگون در زمینه زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان همکاری می‌کند. تحقیقات فراوان او، در قالب کتاب، مجموعه مقاله و مقاله به دو زبان آلمانی و انگلیسی منتشر شده است.

5. Norman Fairclough, *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London, Longman, 1995, 14.

6. Ruth Wodak, "Discourse Studies - Important Concepts and Terms," in Ruth Wodak and Michal Krzyzanowski (Eds), *Qualitative Discourse Analysis in the Social Sciences*, Basingstoke, Palgrave Macmillan, 2008, 1 - 29.

جامعه است که از طریق آن، ذهنیت شکل می‌گیرد و به ارتباط فرد با خود و با جهان، ساختار یا شکلی خاص می‌دهد.<sup>۷</sup> هویت مجموعه‌ای از ایده‌ها، مفاهیم یا طرح‌های ادراک مشترک است که نگرش‌های عاطفی مشترک و گرایش‌های رفتاری مشابه را شامل می‌شود.<sup>۸</sup> علاوه بر این، هویت‌ها، گفتمانی هستند و به وسیله زبان و سایر نظام‌های معنایی تولید، بازتولید، دگرگون و ویران می‌شوند.<sup>۹</sup>

به لحاظ روش‌شناختی، یکی از ابعاد اصلی تحلیل تاریخی گفتمان، شناسایی الگوی گفتمان مورد نظر است. در این الگو موضوعات و مضامین فرعی که بیانگر گفتمان‌های عمومی هستند به وسیله بررسی و تحلیل متون متعدد مانند شعارها، برنامه‌های حزبی، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها، نشریات، خاطرات و غیره گرد می‌آیند. در اینجا متون مورد نظر بر پایه اطلاعات زمینه‌ای ضروری درباره این متون خاص، مورد تحلیل مضمونی قرار می‌گیرند. این تحلیل مقولات به‌ویژه با تمرکز بر به‌کارگیری مضامین پرتکرار پی گرفته می‌شود.<sup>۱۰</sup>

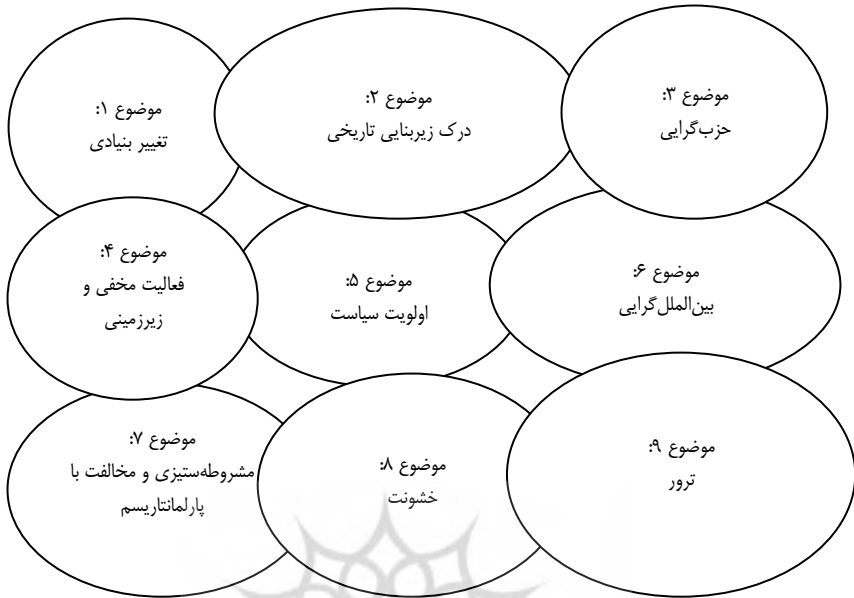
بنابراین، هویت انقلابی در ایران عصر مشروطه مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، مفاهیم، ادراک‌ها و گرایش‌های رفتاری مشابه است که به وسیله زبان، در الگویی گفتمانی، تولید، بازتولید، دگرگون و ویران می‌شود. به لحاظ تاریخی، الگوی هویت‌ساز انقلابی در ایران معاصر در چهارچوب کشمکش‌های دوره دوم مجلس شورای ملی و در مواجهه با ایدئولوژی چپ حول محور مجموعه‌ای از عناصر مضمونی پرتکرار ساخته شد. الگوی گفتمانی هویت انقلابی در ایران معاصر که عناصر مضمونی پرتکرار آن را می‌توان در شکل ۱ مشاهده کرد، در دوره مجلس دوم شورای ملی ساخته شد. این مضامین نتیجه تحلیل کمی خود متون و ناشی از چشم‌انداز نظری این پژوهش است. این مجموعه عناصر مضمونی فقط یک تحلیل ممکن است و بدون تردید ایجاد الگویی به مراتب پیچیده‌تر و غنی‌تر از عناصر مضمونی الگوی گفتمانی هویت انقلابی ممکن است.

7. "Collective Memory, National Narratives and the Politics of the Past", Hannes Heer and Ruth Wodak, *The Discursive Construction of History*, edited by Hannes Heer, Walter Manoschek, Alexander Pollak and Ruth Wodak, Translated from the German by Steven Fligelstone, Palgrave Macmillan UK, 2008, 6 - 7.

8. "The Discursive Construction of National Identities", Rudolf de Cillia, Martin Reisigl and Ruth Wodak *Discourse Society*, 1999, 10, 149 - 173.

9. De Cillia, Reisigl and Wodak, "The Discursive Construction of National Identities", 149-173.

10. Ruth Wodak, "The discourse - historical approach", in Ruth Wodak and Michael Meyer (eds), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London, sage, 2001, 63 - 94.



شکل ۱: عناصر مضمونی هویت انقلابی در ایران معاصر

### ۳- تغییر بنیادی

در نقطهٔ کانونی هر گونه گفتمان و نظام هویت انقلابی، جملهٔ معروف کارل مارکس در تز یازدهم از تزهایی دربارهٔ فوئرباخ قرار دارد که می‌گفت: «فیلسوفان فقط جهان را به راه‌های گوناگون تأویل کرده‌اند، مسئله بر سر دگرگون کردن آن است».<sup>۱۱</sup> انقلابیون ایرانی برای نخستین بار تحت تأثیر گفتمان هویت انقلابی چپ تعلق خاطر به تغییر بنیادی و اساسی ساختارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به‌عنوان یکی از عناصر اصلی سازندهٔ هویت انقلابی در سر پروراندند. اندیشهٔ تغییر ریشه‌ای جامعه از محدودهٔ آرمان‌های جنبش مشروطه‌خواهی بسیار فراتر می‌رفت. در واقع مشروطیت جنبشی اصلاح‌گرایانه بود و نه تنها هیچ ایدئولوژی یا برنامهٔ عمل مشخصی برای تغییر انقلابی و بنیادی ساختارهای اجتماعی ایران تدارک ندیده بود، بلکه نگاهی منفی و انکارآمیز به تغییر انقلابی داشت. ملکم‌خان، یکی از روشنفکران طرفدار مشروطیت و اصلاحات تدریجی و آرام در روزنامهٔ قانون به نکوهش تحول انقلابی پرداخته است و در دفاع از اصلاحات و قانون چنین می‌نویسد: «پیشانی امور مسلم، ولیکن نباید فراموش کرد که در آیین آدمیت راه نجات در ظهور

۱۱. کارل مارکس، «نهادهایی دربارهٔ فوئرباخ»، در بابک احمدی، مارکس و سیاست مدرن (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹)، ۷۸.

قانون است؛ نه در زور انقلاب».<sup>۱۲</sup>

متفکران و رهبران مشروطه‌خواه عمدتاً خواستار آزادی از ظلم و ستم حکومت موجود و قانونی کردن روندهای اجرایی امور کشور بودند. روح اصلاح‌طلبی حاکم بر جنبش مشروطه بیش از همه در متن فرمان مشروطیت حلول کرده است. در آن متن کلمه «اصلاحات» پرکاربردترین مفهوم است.<sup>۱۳</sup> خواست تغییر بنیادین انقلابیون در تعارض با آرمان اصلاحات تدریجی مشروطه‌خواهان قرار داشت. جهت کلی حرکت مشروطه‌خواهی، در «برانداختن نظام مطلقه و تأسیس دولت ملی» خلاصه می‌شد.<sup>۱۴</sup> سر سسیل اسپرینگ رایس، وزیر مختار انگلیس در ایران در زمان محمدعلی‌شاه، اندکی پس از پیروزی مشروطیت در یکی از نامه‌های خصوصی خود بر این «روحیه اصلاح‌طلبی» حاکم بر جنبش مشروطه تأکید می‌کند و می‌نویسد: «من جداً بر این عقیده‌ام که نهضت مشروطیت ایران نهضتی است حقیقی و برای انجام اصلاحاتی که کشور به آن احتیاج دارد آغاز شده. به عبارت دیگر، بانگ اعتراض ملتی است که از بی‌کفایتی و فساد حکومتی که از بدترین انواع حکومت‌های زمان ماست به جان آمده و برای خلاصی از آن دست و پا می‌زند».<sup>۱۵</sup>

هویت انقلابی برخلاف هویت مشروطه‌خواه، دارای برنامه، رهبری، انسجام، هدف و ایدئولوژی مشخص بود و تغییرات اساسی به‌منظور دستیابی به مدینه فاضله‌ای را که از پیش طراحی کرده بود، پی می‌گرفت. برخلاف حاملان هویت مشروطه‌خواه، نظام هویت انقلابی با پیروی از روش‌های غیرمسالمت‌آمیز، رادیکال و خشن، هرگز سر سازگاری با ساختارهای اجتماعی حاکم را نداشت؛ بلکه خیال ساختارهای جدیدی را در سر می‌پخت که تنها از طریق دگرگونی‌های انقلابی و قهرآمیز می‌توانست تحقق و تدام یابد.<sup>۱۶</sup>

انقلابیون ایرانی به نقش اراده انسانی و عاملیت او در تاریخ اعتقاد داشتند، از نظم حاکم بیزار بودند و شورش علیه هر آنچه را که پیشینیان ساخته بودند، تبلیغ می‌کردند، به آینده و آرمان‌شهر این جهانی معتقد بودند، به فلسفه جبری قطعی تاریخی اعتقاد داشتند و از همه مهم‌تر از عامل سیاسی

۱۲. قانون، شماره ۲۷، ۴.

۱۳. متن فرمان مشروطیت در این منبع آمده است: سر سسیل اسپرینگ رایس، نامه‌های خصوصی سر سسیل اسپرینگ رایس، وزیر مختار انگلیس در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵)، (۲۲۱ - ۲۲۲).

۱۴. فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران (تهران: انتشارات گستره، ۱۳۸۷)، ۱۵۰.

۱۵. آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ۱۸۱ - ۱۸۲.

16. Nikki Keddie, "Iranian Revolution in Comparative Perspective", *American Historical Review*, Vol, 88, No, 3 (June 1983), 579 - 598.

جدیدی به نام «مردم» سخن می‌راندند.<sup>۱۷</sup> در بیانیه‌های آن دوره می‌توان نمونه‌هایی بسیار از کاربرد واژه‌های مردم و خلق را یافت. اعلامیه کمیته تبریز حزب اجتماعیون عامیون یکی از این نمونه‌ها است: «ما سوسیال دموکرات‌ها مدافعین حقیقی آزادی، اعلام مشروطیت ایران را در روز مسعود به دوستان و آزادیخواهان تبریک می‌گوییم؛ به تمام علما، تجار طرفدار توده خلق و تمام مجاهدین اسلام که در اطراف برای رسیدن به هدف مقدس خود از جان و مال گذشته‌اند درود می‌فرستیم».<sup>۱۸</sup> در این دیدگاه، مفهوم مردم دیگر به معنای عوام بی‌اراده و منفعل که در اندیشه سیاسی سنتی از آنها نام برده می‌شد، نبود؛ بلکه منظور از آن افرادی بود که در زندگی و آینده خود فعال و اثرگذار بودند. یکی از اعلامیه‌های اجتماعیون عامیون، فرودستان ایرانی را مخاطب خود قرار می‌دهد و از آنها می‌خواهد که برای رهایی خود تلاش کنند: «ای فقرای ایران، جمع شوید! ای اهالی کاسبه ایران، ای زراعت‌کاران ایران، ای اهل دهاتیان ایران، همت کرده، اتحاد نموده اجتماع بکنید! خودتان را از ظلم این ظالمان خوش خط و خال استبداد مذهب خلاص نموده، رهایی یابید».<sup>۱۹</sup> نخستین شکل‌دهندگان به هویت انقلابی در ایران از جناح چپ برخاستند و ابزارهای مفهومی و معنایی مورد نیاز را برای تحلیل جامعه ایران از گنجینه مفاهیم چپ اخذ کردند. آنها تغییر را بر پایه رهیافت ماتریالیسم تاریخی درک می‌کردند.<sup>۲۰</sup> ماتریالیسم تاریخی، نظریه‌ای تاریخی است که کارل مارکس بیان کرد. این نظریه به‌طور خلاصه بیان می‌کند که زیربنای اقتصادی، که شامل شیوه تولید یا نظام اقتصادی است، ربنای سیاسی و ایدئولوژیکی را تعیین یا مشروط می‌کند، و تمام نهادهای دیگر از جمله نهادهای سیاسی، حقوقی، مذهبی، هنری و غیره را در بر می‌گیرد. ماتریالیسم تاریخی به‌عنوان اساس فلسفی مارکسیسم، و بنابراین، اساس تجزیه و تحلیل اجتماعی و سیاسی برای متفکران مارکسیست اهمیتی غیرقابل انکار داشته است.<sup>۲۱</sup>

۱۷. کالبدشکافی خشونت، به اهتمام مسعود سفیری (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹)، ۴۶.

۱۸. سلام‌الله جاوید، نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادی‌خواهان جهان (تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۴۷)، ۷۵ - ۷۶.

۱۹. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج اول، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ

ایران، ۱۳۵۷)، ۶۰۸.

۲۰. حیدرخان عمواغلی و محمدامین رسول‌زاده، نمایندگان شاخص این انقلابیون بودند. حیدرخان در خاطراتش می‌نویسد: «از سن دوازده‌سالگی در روسیه داخل در امور سیاسی بوده» و پس از آمدن به ایران بسیار تلاش کرد که «یک فرقه سیاسی به دستور روسیه» تشکیل بدهد. حیدرخان عمواغلی، خاطرات حیدرخان عمواغلی: همراه با تقریرات منتشرنشده حیدرخان به خط علی‌اکبر داور، به کوشش ناصرالدین حسن‌زاده (تهران: نامک، ۱۳۹۲)، ۱۸، ۳۴.

۲۱. برای روایتی درخشان از ماتریالیسم تاریخی بنگرید به: جرال آلن کوهن، نظریه تاریخ مارکس، ترجمه محمود راسخ افشار، (تهران، اختران، ۱۳۸۷).

محمدامین رسولزاده، نظریه‌پرداز اصلی حزب دموکرات ایران در مجلس دوم شورای ملی، با تکیه بر مفاهیم تحلیلی مارکسیستی، نخستین متون نظام‌مند به زبان فارسی را در شرح و دفاع از آرای انقلابی در ایران به رشته تحریر درآورد و نقشی قاطع و تأثیرگذار در ساخت هویت انقلابی ایفا کرد. رسولزاده تحت تأثیر کارل مارکس، یا به تعبیر خود او «معلم کبیر سوسیالیست‌ها»، قرار داشت و آثار مختلف او مانند سرمایه، مانیفست کمونیست و نقد اقتصاد سیاسی را مطالعه کرده بود و در نوشته‌های خود به‌طور مکرر به آنها ارجاع می‌داد. رسولزاده در توصیف مارکس چنین نوشت: «میان کلیهٔ ارباب نظریات سوسیالیست و اجتماعی‌مسلکان، کارل مارکس آلمانی از همه مقتدرتر و نظریات‌اش عمیق‌تر است».<sup>۲۲</sup> رسولزاده سایر رهبران جنبش سوسیالیستی اروپا مانند ژوری، بیل، کائوتسکی و پلخانف را می‌شناخت و برای نخستین بار از لنین یاد کرد.<sup>۲۳</sup>

رسولزاده برای نخستین بار از مفهوم فئودالیسم برای تحلیل ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران بهره گرفت. او ایران را گرفتار بحران اجتماعی سلطهٔ فئودالیسم می‌دانست که باید از آن خلاصی می‌یافت. «امروز ایران می‌خواهد از وضعیت فئودالی نجات بیابد... ایران امروز می‌خواهد از قید وضع فئودالیت خود را خلاص نموده و مایل است که به وضع سرمایه‌داری تحول کند و در حقیقت در حال تجدد و ترقی است».<sup>۲۴</sup> رسولزاده اعتقاد داشت که جامعهٔ ایران از دو طبقهٔ اجتماعی بزرگ فئودال‌ها و رعیت تشکیل شده است که «نتیجهٔ عقاید فلان یا فلان فرقهٔ پولتیکی نیست که دارای یک پروگرام معینی باشند؛ بلکه به‌طور سهل و ساده باعث این قسمت وضع اقتصادی مملکت است».<sup>۲۵</sup> به باور او این تقابل و درگیری، تاریخی و مادی است و راه خروج از آن نیز ضرورتاً از مسیر انقلاب می‌گذرد؛ زیرا تجربهٔ تاریخی و تاریخ ترقی و تکامل نشان می‌دهد که تمام تحولات اجتماعی «همه به‌طور قهری به عمل آمده» است.<sup>۲۶</sup>

در خاستگاه هویت انقلابی، مفهوم انقلاب به صورت «مصادم‌های» تعریف شد که «برای کسب استیلا سیاسی فیما بین طبقات اجتماعی درمی‌گیرد و این تصادم میان گذشته و آینده، ترقی و تنزل، طبقه عامه و اشراف (ملوک الطوائفی اشراف و نجبا) برحسب لزوم باید به یک فتح و مظرفیتی

۲۲. «از حیات غربیان به مناسبت تعطیل بزرگ کارگران در فرانسه»، *ایران نو*، سال ۱، ۶ ذیقعد ۱۳۲۸، شماره ۱۶، ۱.

۲۳. محمدامین رسولزاده، «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون اعتدالیون»، در *مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دورهٔ*

*دوم مجلس شورای ملی*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)، ۵۹ - ۸۶.

۲۴. «پارلمان در چه حالی افتتاح می‌شود»، *ایران نو*، سال ۱، ۱، ۱۳۲۷ ذیقعد، شماره ۶۷، ۲.

۲۵. «فئودالیسم»، *ایران نو*، سال ۱، ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷، شماره ۱۰۲، ۱.

۲۶. «یک ملاحظه اساسی»، *ایران نو*، سال ۲، ۲۶ شوال ۱۳۲۸، شماره ۷، ۱.



خاتمه پذیرد».<sup>۲۷</sup> از این دیدگاه، انقلاب پدیده‌ای سخت و دشوار اما مترقی و مثبت فهم می‌شد، «انقلاب همان عبارت از رنج و مشقت است ولی نباید انقلاب را به واسطه‌ی مصائب و بلائیش نفرین کرد. مؤسس سوسیالیسم (اجتماعیت) علمی کارل مارکس مشهور می‌گوید: «انقلاب قابله‌ی هیئت‌های اجتماعی است».<sup>۲۸</sup> بنابراین، طرفداری از مشروطیت ضرورتاً باید با تأیید انقلاب همراه باشد، «کسی که خود را طرفدار مشروطیت و تجدد می‌گوید و از سمتی هم مخالف حصول انقلاب ملی است، گذشته از بی‌اطلاعیش از حقایق تاریخی اولین جاهل است».<sup>۲۹</sup> سرپیچی از انقلاب و تغییر، امکان‌ناپذیر است، زیرا «قانون تکامل قوی‌ترین قوای کائنات است؛ بر حسب اقتضای آن چرخ تاریخ با یک ترتیب معین لایتغیری می‌گردد و هیچ قوه‌ای نمی‌تواند که آن را از حرکت خود بازدارد».<sup>۳۰</sup>

در اینجا، مفهوم تکامل به معنای انقلاب به کار برده شده است و از مارکس به‌عنوان بنیان‌گذار آن یاد می‌شود.<sup>۳۱</sup> در این دیدگاه، ایران نیز تابع جریان عمومی عالم و محکوم به اقتضائات قانون تکامل تلقی می‌شد. بنابراین، یکی از ارکان و مضامین اساسی هویت انقلابی در ایران، خواست تغییر بنیادی و انقلابی تمامی حوزه‌های زندگی انسان — که لزوماً قهرآمیز است — بود.

## ۴- درک زیربنایی تاریخی

یکی از عناصر اساسی هویت انقلابی در ایران، درک و فهم تاریخی کلانی است که زیربنای رویکرد آنها به تحولات سیاسی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد و مقدم بر تغییر بنیادی است. در واقع، اندیشه انقلابی نقطه‌ی عزیمت برساختن مضامین الگوی گفتمانی خود را در فهم زیربنایی تاریخی قرار می‌دهد و با برکشیدن مؤلفه‌های هویت‌ساز از دل تاریخ، در صدد برساختن تاریخ است. نخستین گام در برساختن هویت انقلابی، تفسیری از تاریخ بر مبنای مفاهیم ماتریالیسم دیالکتیک است. انقلابیون ایرانی، افرادی مانند حیدرخان عمواوغلی، محمدمین رسول‌زاده، گروه سوسیال دموکرات‌های ارمنی تبریز و مانند اینها، این ایده را که می‌توان با شناخت قوانین حاکم بر جامعه آن را تغییر داد، پذیرفته بودند و در تحلیل خود از اوضاع جامعه ایران به‌کار می‌بردند. در این ایده

۲۷. «اتحاد و تمرکز قوای جامعه ملت کمیته نجات ملت»، ایران نو، سال ۲، ۱ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۲۰، ۱.

۲۸. «اتحاد و تمرکز قوای جامعه ملت»، ایران نو، سال ۲، ۱۲ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۲۱، ۱.

۲۹. «مسئله مستشاران خارجی»، ایران نو، سال ۲، ۲۵ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۳۲، ۱.

۳۰. رسول‌زاده، «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون اعتدالیون»، ۵۹ - ۸۶.

۳۱. رسول‌زاده، «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون اعتدالیون»، ۷۲.

بنیادین، تاریخ خطی است و کل تاریخ بشر در نبرد میان طبقات دوگانه در ۵ مرحله تاریخی ساده تبیین می‌شود. یکی از اسناد مهم حزب کمونیست ایران این برداشت ماتریالیستی از تاریخ را به صورت منسجم ارائه می‌دهد:

عموماً تاریخ بشریت عبارت از تاریخ مبارزه دائمی طبقات دارا و ندار است. مبارزه مظلومین بر ضد ظالمین، جنگ اغنیا بر ضد فقرا، مبارزه دهاقین بر ضد ملاکین، مبارزه کارگران بر ضد سرمایه‌داران، تمام این مبارزات بنا بر مقتضیات وقت و اوضاع اقتصادی طبقات مبارز، گاهی به صورت مخفی بدون سر و صدا جریان یافته و گاهی به صورت شورش و طغیان علنی درآمده و زمانی مانند شعله سرکش به طوفان انقلاب مبدل می‌گردد. در تمام ادوار تاریخ دنیا مبارزه بین طبقه زیردست و بالادست، فقیر و غنی جریان داشته و غالباً این مبارزات به محو و اضمحلال یک طبقه به دست طبقه دیگر منجر می‌گردد.<sup>۳۳</sup>

به باور آنها، سرنگونی حکومت ملاکین و فئودال‌ها در موقع انقلاب فرانسه به دست طبقه بورژوازی فرانسه و اضمحلال طبقه سرمایه‌دار و ملاک روسیه توسط کارگران و دهاقین روسیه، از جمله نمونه‌های این مبارزه طبقاتی بود.<sup>۳۳</sup>

مبارزه طبقاتی به منزله بخشی از ضرورت تاریخی فهم می‌شود و تنها نیروی محرکه تاریخ به شمار می‌آید. وظیفه انقلابیون نیز این انگاشته می‌شد که فریب تبلیغات طبقات حاکمه را نخورند و با قدرت تمام حکومت را از دست آنها خارج کنند.

در تمام دنیا مبارزه طبقات تنها قوه محرکه تاریخ می‌باشد. کلمات خوش آب و تابی که طبقات حاکمه در باب حکومت ملی و اصول دموکراسی ورد زبان خود ساخته در بین توده منتشر می‌کنند، کذب محض بوده تنها برای فریب توده زحمتکش می‌باشد و همین خود یکی از اختراعات و تردستی‌های بزرگ طبقه سرمایه‌داری می‌باشد. تا زمانی که حکومت در دست ملاکین، سرمایه‌داران و روحانیون است تمام قوای حکومتی هم فقط و فقط برای حفظ منافع این طبقات به کار خواهد رفت. از این جهت اولین وظیفه انقلابی توده زحمتکش ایران آن است که تمام هم خود را مصروف آن نماید که قوای حکومتی را از چنگال این مفتخواران و پارازیت‌ها بیرون آورده جمهوری ملی حقیقی که قادر به حفظ منافع توده زحمتکش بر ضد غارتگران خودی و بیگانه باشد، تأسیس نماید.<sup>۳۴</sup>

۳۲. دو سند از فرقه کمونیست ایران (تهران: انتشارات علم، ۱۳۵۹)، ۵۸.

۳۳. دو سند از فرقه کمونیست، ۵۸ - ۶۱.

۳۴. دو سند از فرقه کمونیست، ۶۱.

## ۵- حزب‌گرایی و فعالیت مخفی

از نظر سازمان و تشکیلات، همه سازمان‌های انقلابی ایران معاصر، سازمان‌هایی مخفی و زیرزمینی، دارای نظم سلسله‌مراتبی عمودی، مدافع تمرکزگرایی شدید و خواستار سرسپردگی کامل اعضای خود به هسته مرکزی مخفی بودند. سازمان‌های انقلابی در دوره مجلس اول شورای ملی چندان مجال فعالیت علنی کسب نکرده بودند. در اساسنامه مختصر سازمان همت، که نخستین اساسنامه سازمانی سیاسی است که به واسطه آن برخی از ایرانیان مسیر انقلابی‌شدن در پیش گرفتند، هسته رهبران حزبی، گروهی مخفی معرفی می‌شد که «کسی درباره آن اطلاعی نخواهد داشت».<sup>۳۵</sup>

فرقه اجتماعيون عاميون ايران، که نخستین گروه انقلابی ایرانی بود که در برنامه‌ای مشخص اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را برشمرد و شکل سازمانی‌اش را در نظامنامه‌ای به‌طور دقیق نشان داد، از اعضای خود انتظار داشت که «وامر کمیته مرکزی» را «بدون چون و چرا» اطاعت کنند زیرا از نظر آنها این دستورها «اراده اکثریت» بود.<sup>۳۶</sup> ایده تبعیت مطلق از هسته انقلابی پیشاهنگ مخفی و دستورها و تصمیم‌های آن در میان سازمان‌های انقلابی به‌تدریج تا آنجا پیش رفت که اگر اعضای حزب در صدد کشف و شناسایی این هسته برمی‌آمدند، مجازات می‌شدند. علاوه بر این، تبعیت‌نکردن از دستوره‌های این هسته مخفی یا لودادن آن ممکن بود حکم اعدام خودخوانده در پی داشته باشد.<sup>۳۷</sup> نظامنامه شعبه ایرانی جمعیت، مجاهدین این هسته انقلابی پیشاهنگ را نماینده مردم جلوه می‌داد و درباره وظیفه خود چنین می‌نوشت: «وظیفه ما این است که دهقانان و نیز سایر مردم را از بردگی ملاکان و مباحثین آنها برهانیم و بدین طریق اجازه ندهیم که بسیاری از آنان برای یک لقمه نان به خارج کشور رفته در معادن و زیر بار کارهای سنگین جان سپارند».<sup>۳۸</sup>

شعبه‌های ایرانی اجتماعيون عاميون نیز اصول مخفی‌کاری را با شدت تمام اجرا می‌کردند. شعبه این فرقه در تبریز نام مرکز غیبی را برای خود برگزید و هسته مرکزی آن کاملاً محرمانه و

---

۳۵. «اساسنامه سازمان همت»، در شاپور رواسانی، نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، ج دوم (تهران: انتشارات شمع، ۱۳۶۸)، ۳۳۶ - ۳۳۷.

۳۶. «دستورنامه (قواعد) حزب سوسیال دموکرات‌های ایران»، در خسرو شاکری، اسناد تاریخی جنبش کارگری، کمونیستی و سوسیال دموکراسی ایران، ج اول (فلورانس: بی‌نا، ۱۹۷۴)، ۴۲.

۳۷. کریم طاهرزاده بهزاد، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران (تهران: اقبال، ۱۳۳۴)، ۶۴.

۳۸. «دستورنامه (قواعد) حزب سوسیال دموکرات‌های ایران»، شاکری، اسناد تاریخی جنبش کارگری، کمونیستی و سوسیال دموکراسی ایران، ج اول، ۴۲.

سری بود. یکی از اعضای مرکز غیبی در خاطرات خود، فضای حاکم بر این مرکز را چنین توصیف کرده است:

مرکز فعالیت این حزب کاملاً محرمانه بود؛ به طوری که نام او را مرکز غیبی می‌گفتند. عده‌ای مثل مرحوم حاج رسول صدقیانی، حاج علی دوافروش، یوسف خزدوز، حاج علینقی گنجه‌ای، میرعلی‌اکبر سراج، حکاک‌باشی و غیره با رهبری علی مسیو، مرکزی را جهت انجام تعلیمات مهم تشکیل می‌دادند. باید توجه داشت که این کمیته با فرقه هم‌نام خود در قفقاز رابطه سیاسی داشت. در درجه دوم رؤسای حوزه‌هایی بودند که هر کدام در زیر دست خود ۱۱ نفر عضو داشتند این اعضا مدت مدیدی، جز در تاریکی (برای اینکه مبدا همدیگر را بشناسند) با یکدیگر روبرو نمی‌شدند؛ یعنی هر ۱۱ نفر دستور حزبی را از سرپرست همان عده دریافت می‌کردند! خطرناکترین دستورات کمیته مرکزی بدون جزئی تخلف به موقع اجرا گذارده می‌شد!<sup>۳۹</sup>

در دوره مجلس دوم فضا برای فعالیت علنی انواع سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی مهیا شد. در این شرایط فرقه دموکرات ایران که برخلاف سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی پیشین امکان فعالیت علنی و آشکار یافت، تشکیل شد. این حزب اعتقاد داشت که «درد ما عدم موجودیت قوه منظمه سیاسی ملی یعنی مفقودیت پارتی سیاسی است نه، اینکه موجودیت آن! آنکه ما را به مشکلات می‌اندازد، مبارزات مسلکی و ملاحظات صمیمی فرقه‌ها نیست؛ بلکه ضعف این فرقه‌ها است».<sup>۴۰</sup> قدرت و اختیار مطلق به هسته مرکزی سازمان انقلابی در حزب دموکرات ایران نیز مورد تأیید قرار گرفت. ساختار حزب دموکرات از نظر تمرکز و سلسله‌مراتب بسیار شبیه حزب بلشویک روسیه بود و از حوزه‌های مجالس ملی، کمیته‌های محلی، کنفرانس‌های ایالتی، کمیته‌های ایالتی، کنگره عمومی و کمیته مرکزی و شعبه پارلمانی تشکیل می‌شد. در نظامنامه فرقه دموکرات تأکید شده بود که «کمیته مرکزی حق دارد هر وقت که بخواهد تمام مؤسسات فرقه را تفتیش نماید و مقتضین باید بدون عذر پذیرفته شوند».<sup>۴۱</sup> علاوه بر حزب دموکرات، گروه‌های کوچک انقلابی دیگر در مجلس دوم مانند جمعیت سوسیال دموکرات ایران و اتفاق و ترقی نیز به اصل سازماندهی مخفی و پنهانکاری پای‌بند بودند.<sup>۴۲</sup> این

۳۹. طاهرزاده بهزاد، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، ۴۵.

۴۰. «ترویج مسالک و استقلال مملکت»، ایران نو، سال ۲، ۲۳ شوال ۱۳۲۸، شماره ۵، ۱.

۴۱. «قواعد و نظامنامه فرقه دموکرات ایران» در اتحادیه، مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دوره دوم مجلس شورای

ملی، ۹ - ۱۹.

۴۲. «نظامنامه جمعیت سوسیال دموکرات ایران» در اتحادیه، مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دوره دوم مجلس شورای

ملی، ۲۱۱.

گروه‌ها که اثر چندان مؤثری از فعالیت نظری و عملی‌شان دیده نمی‌شود، از اعضای خود انتظار تبعیت از اصول سری را داشتند و در صورت افشای اسرار جمعیت خود، از سوی اعضا، جزای آنها قتل بود.<sup>۴۳</sup>

## ۶- اولویت سیاست

انقلابیون ایرانی، حوزهٔ سیاسی را در کانون توجه بحث‌ها و دغدغه‌های خود قرار می‌دادند. منشأ الهام این ایده بی‌گمان سنت انقلابی مارکسیستی - لنینیستی بود. هم مارکس و هم لنین مبارزهٔ طبقاتی را لزوماً مبارزهٔ سیاسی درک می‌کردند.<sup>۴۴</sup> اولویت‌دادن به سیاست، مدافعان هویت انقلابی را به مسیر نزاع قدرت با گروه‌های دیگر رهنمون شد. در رسالهٔ *تنقید فرقهٔ اعتدالیون* اثر رسول‌زاده برای نخستین بار بر عنصر هویتی بنیادی «مای انقلابی» در برابر «دیگری غیرانقلابی» تأکید می‌شود و دوگانهٔ انقلابی - ارتجاعی شکل می‌گیرد؛ دوگانه‌ای که برای بیش از نیم‌قرن خطوط کلی درگیری‌های فکری و نظری بین انقلابیون ایرانی و گروه‌های سیاسی غیرانقلابی را ترسیم کرد. رسول‌زاده برای کسب قدرت در منازعه با اعتدالیون، آنها را گروهی واپس‌گرا و محافظه‌کار و اشرافی توصیف می‌کرد؛ گروهی که از نظر وی با هر گونه اندیشهٔ ترقی خصومت دارد و برای کسب قدرت عنوانی تناقض‌آمیز برای خود برگزیده است که اگر بزرگان سوسیالیسم اروپا باخبر شوند، مایهٔ شگفتی و تمسخرشان خواهد شد.<sup>۴۵</sup>

توجه صرف انقلابیون ایرانی به حوزهٔ سیاسی منجر به نادیده‌گرفتن یا کم‌اهمیت جلوه‌دادن سایر عرصه‌های حیات اجتماعی مانند امور مدنی و فرهنگی شد. همهٔ گروه‌ها و دسته‌های سیاسی انقلابی ایرانی به تشکیل احزاب سیاسی اعتقاد داشتند و در مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های حزبی‌شان بر امور سیاسی

---

۴۳. «نظامنامه داخلی جمعیت اتفاق و ترقی» در اتحادیه، مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دورهٔ دوم مجلس شورای

ملی، ۱۳۷.

۴۴. کارل مارکس و فریدریک انگلس، *مانیفست کمونیست*، ترجمهٔ مسعود صابری، چ سوم (تهران: طایفهٔ پرسو، ۱۳۹۲)، ۳۶ - ۳۷.

۴۵. رسول‌زاده، «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون اعتدالیون»، ۷۴: «اگر اسم این پهلوانان دروغکی میدان سیاست ایران را به فرانسه ترجمه کنیم ترکیبی می‌شود که تمام سیاسیون فرنگ را یا به خنده و یا به تحقیر می‌آورد. اگر به ژوری‌ها، بیل‌ها، به کازتسکی‌ها، به لنین‌ها، و به بله‌خانوف‌ها بگویند که ایرانیان تجدیدپیمان در سوسیالیسم یک کشف تازه‌ای را موفق گشته و پارتی‌ای به اسم سوسیالیست - کانسرواتور و یا اینکه بدون تحریف به اسم سوسیالیست - مدره تشکیل نموده‌اند بی‌حیرت نخواهند ماند. یا بر نقصان معلومات و تجربیات چندین‌سالهٔ خود در مسلک سوسیالیسم مقر و برای تکمیل معلومات مسافرت به تهران و ملاقات با ارکان «اجتماعیون - اعتدالیون» را بر خودشان فرض می‌کنند. یا با یک تبسم مستهزایانه مشغول تسویهٔ اخلاقی فرقه‌های خود خواهند گردید».

تمرکز می‌کردند. هیچ یک از این گروه‌های انقلابی، مطلبی دربارهٔ امور فرهنگی یا مدنی ننوشتند و یا اگر به آن اشاره می‌کردند، آن امور را منوط به کسب قدرت سیاسی و در ردیف دوم اهمیت می‌دانستند. حزب دموکرات ایران شاخص‌ترین نمایندهٔ انقلابی‌گری در ایران دورهٔ مشروطه به‌شمار می‌رود که مقصد و هدف نهایی خود را «تهیهٔ وسایل ضبط و تصرف قدرت سیاسی» اعلام کرد.<sup>۴۶</sup> این اولویت‌یافتن امر سیاسی بر سایر امور اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر آموزه‌ها و آرای لنین — که بر اساس آن حل تمام مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی منوط به کسب قدرت سیاسی تلقی می‌شد — شکل گرفت. بنابراین، در گفتمان هویت انقلابی به تبعیت از آموزه‌های لنینی درکی لنینی از سیاست — که در تقابل کامل با درک‌های اصلاح‌گرایان فرهنگی و اجتماعی پروژهٔ مشروطه‌خواهی قرار داشت — در ایران شکل گرفت. تا پیش از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم شورای ملی و انقلابی‌شدن فضای سیاسی، نویسندگان و فعالان سیاسی برای امور فرهنگی و مدنی اهمیت فراوان قائل بودند. در قدیمی‌ترین اثر برجای‌مانده از ملک‌خان، که احتمالاً در سال ۱۲۷۵ ق نوشته شده است، از اهمیت آموزش و تربیت فرهنگی و اجتماعی سخن رفته و آمده است:

کارخانجات یورپ بر دو نوع است یک نوع آن را از اجسام و فلزات ساخته‌اند و نوع دیگر از افراد بنی نوع انسان ترتیب داده‌اند، مثلاً از چوب و آهن یک کارخانه ساخته‌اند که از یک طرف پشم می‌ریزند و از طرف دیگر ماهوت برمی‌دارند و همچنین از بنی نوع انسان یک کارخانه ساخته‌اند که از یک طرف اطفال بی‌شعور می‌ریزند و از سمت دیگر مهندس و حکمای کامل بیرون می‌آورند.<sup>۴۷</sup>

تقی‌زاده پیش از حمایت از اندیشه‌های پرشور انقلابی، نخست بر رشد فرهنگی و مدنی تأکید داشت، از تأسیس مدارس دفاع می‌کرد و هر گونه روحیهٔ انقلابی‌گری را زیر سؤال می‌برد. او با ارسال تلگرافی به مجاهدین گیلان که در قزوین ساکن شده بودند، چنین نوشت:

بدون مدارس و مکاتب ایران کنونی با این سکنهٔ حالیه هر نوع خودکشی کند و هر ورقش را برگرداند، خواه یخنی بکند یا ترید بهتر از این نخواهد شد و آبرو اصلاح می‌شود چشم ضایع. برای اصلاح آن هم باز عوض یک سال سه سال جنگ لازم می‌شود، و هکذا که باید مادام‌الدهر ایران در انقلاب و خونریزی باشد و چون انقلاب هم، فرصت تعلیم و مدرسه نمی‌دهد همیشه بعد از صد سال هم در همان جایی هستیم که بودیم.<sup>۴۸</sup>

۴۶. «قواعد و نظامنامه فرقه دموکرات ایران» در اتحادیه، *مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دورهٔ دوم مجلس شورای*

ملی، ۹.

۴۷. میرزا ملک‌خان، *مجموعه آثار میرزا ملک‌خان*، با مقدمه و حواشی محمد محیط طباطبایی (تهران: کتابخانه دانش، ۱۳۲۷)، ۱۰.

۴۸. ایرج افشار، *اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده* (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۹)، ۳۹.

از این رو، هویت انقلابی در ایران ماهیتی کاملاً سیاسی داشت و حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی انسان چندان مهم پنداشته نمی‌شد.

## ۷- بین‌الملل‌گرایی

گفتمان هویت انقلابی چپ، مبارزه با سرمایه‌داری را مبارزه‌ای جهانی معرفی می‌کرد؛ مبارزه‌ای که مستلزم تشکیل اتحادیه‌های جهانی بود. کارل مارکس در *مانیفست کمونیست*، تمامی احزاب کمونیست و کارگران جهان را دعوت به اتحاد می‌کند.<sup>۴۹</sup> بنابراین، انقلابیون چپ‌گرا فعالیت انقلابی را به صورت بین‌المللی درآوردند و با تشکیل اتحادیه‌هایی با عنوان بین‌الملل کمونیستی، برای متشکل کردن مبارزه انقلابی در جبهه‌ای جهانی تلاش می‌کردند. تشکیل بین‌الملل اول و دوم و سوم کمونیستی در فاصله سال‌های ۱۸۶۴ تا ۱۹۴۳ م ثمره این نگاه جهانی به مبارزه انقلابی بود.<sup>۵۰</sup> انقلابیون ایرانی نیز همواره خود را بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش انقلابی بین‌المللی می‌دانستند و نسبت به آرمان‌ها، شعارها و رویدادهای آن جنبش احساس تعلق می‌کردند. برای نمونه، در مقاله‌های روزنامه *ایران نو* همواره از رویدادهای انقلابی روسیه صحبت می‌شد. یکی از این سرمقاله‌ها با عنوان «پیش‌آهنگان انقلاب روسیه» از انقلابیون روسی به خاطر مبارزه با ارتجاع تزارها تمجید می‌کند و سرنوشت خود را به انقلابیون روسیه پیوند می‌زند و می‌نویسد: «آزادی ملت روس حریت جهان را تأمین می‌نماید».<sup>۵۱</sup>

در اکتبر ۱۹۰۹ م به مناسبت تیرباران شدن فرانسیسکو فرر، یکی از سوسیالیست‌های برجسته اسپانیا به دست حکومت آن کشور، تظاهرات اعتراضی توسط احزاب سوسیال دموکرات دنیا برپا شد. سوسیال دموکرات‌های رشت نیز در ۲۸ اکتبر ۱۹۰۹ / ۱۱ شوال ۱۳۲۷ تظاهرات بزرگی ترتیب دادند که در آن هزاران نفر از انقلابیون شهر با پرچم‌ها و پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهای مارکسیستی نوشته شده بود، شرکت کردند و سرود مارسیز می‌خواندند. «در یازدهم شوال نظر

۴۹. مارکس و انگلس، *مانیفست کمونیست*، ۸۴.

۵۰. اسناد بین‌الملل اول در کتاب این کتاب آمده است: کارل مارکس، *اسناد بین‌الملل اول*، ترجمه مراد فرهادپور و صالح نجفی (تهران: هرمس، ۱۳۹۲). علاوه بر این، برای تاریخ انترناسیونالیسم نک: ویلیام فاستر، *تاریخ سه انترناسیونال*، ترجمه م. دائم (تهران: سحر - درفک، ۱۳۵۸).

۵۱. «پیشاهنگان انقلاب روسیه»، *ایران نو*، سال ۲، ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره ۵۴، ۱. در این مقاله برای نخستین بار از واژه پیشاهنگ به معنای یک گروه انقلابی پیشرو هدایت‌کننده مردم به سوی جامعه آرمانی استفاده شده است. بعدها این واژه مفهومی مقدس پیدا می‌کند.

به تیرباران شدن مسیو فرر معروف به حکم دولت اسپانیول، امروز بعد از ظهر در رشت هیئتی از اجتماعيون عاميون با جمعيت کثيری از اهالی به هیئت اجماع با موزیک و بیرق در کوچه‌ها گردیده و به یادگار آن پیشوای فرقه اجتماعيون نغمه مارسيز می‌زدند و می‌خواندند.<sup>۵۲</sup>

علاوه بر این، در خلال متون سازمان‌های اولیه انقلابی ایران می‌توان به شعارهایی که در سطح جهان به‌عنوان نماد جنبش انقلابی شناخته شده است، برخورد. برای نمونه، یکی از اعلامیه‌های کمیته تبریز حزب اجتماعيون عاميون ایران با جمله معروف رنجبران جهان متحد شوید، آغاز می‌شود.<sup>۵۳</sup> این همان جمله معروف «مردم کارگر تمام کشورها، متحد شوید» است که کارل مارکس و فریدریش انگلس مانیفست حزب کمونیست را با آن پایان می‌دهند. انقلابيون چپ‌گرا ماهیت مبارزه انقلابی را بین‌المللی می‌دانستند، بنابراین انقلابيون ایرانی نه تنها از نظر فکری خود را در پیوند مستقیم با اندیشه‌های جنبش انقلابی جهانی می‌پنداشتند؛ بلکه احزاب و افراد انقلابی خارج از کشور نیز در عمل به انقلابيون ایرانی کمک می‌کردند.

بیرم‌خان، انقلابی ارمنی، از جمله افرادی بود که به گیلان آمد و در آنجا شعبه‌ای از حزب داشناک را تشکیل داد و در فتح تهران از فرماندهان نیروهای رشت به‌شمار می‌رفت. گریگور یقیکیان، انقلابی دیگر ارمنی، نماینده حزب ارمنی هنگچاک در رشت بود.<sup>۵۴</sup>

## ۸- مشروطه‌ستیزی و مخالفت با پارلمان‌تاریسم

انقلابيون ایرانی مانند حیدرخان عمواوغلی، محمدامین رسول‌زاده، سوسیال دموکرات‌های ارمنی تبریز و از این قبیل، اساساً سازوکارهای نظام سیاسی دموکراتیک را با دیده انکار می‌نگریستند و هیچ اعتقادی به آن عناصر از قبیل پارلمان، انتخابات، نمایندگی، جامعه مدنی و آزادی بیان نداشتند. آرشاور چلنگریان، یکی از انقلابيون عضو گروه سوسیال دموکرات‌های ارمنی تبریز، طی مکاتباتی با کارل کائوتسکی، از رهبران سوسیال دموکرات آلمان، ضمن معرفی گروه خود پرسش‌هایی در خصوص برخورد آنها با جنبش مشروطه را مطرح کرد. چلنگریان در نامه‌اش نخست خود را متعلق به گروهی می‌داند که «هم خود را صرف ترویج اصول مارکسیسم» کرده‌اند؛ و سپس به اختلاف

۵۲. «اخبار داخله»، ایران نو، سال ۱، ۱۳ شوال ۱۳۲۷، شماره ۵۲، ۳.

۵۳. جاوید، نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادی‌خواهان جهان، ۷۵ - ۷۶.

۵۴. خسرو شاکری، پیشینه‌های اجتماعی - اقتصادی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عصر (تهران:



نظر موجود در گروه نسبت به مشروطیت پرده برمی‌دارد.<sup>۵۵</sup>

ظاهراً در این گروه عده‌ای سر ناسازگاری با مشروطیت داشتند و آن را فاقد هر گونه «مضمون مترقی» می‌دانستند و قصد حمایت از آن را نداشتند. از نظر انقلابیون ایرانی عصر مشروطه، نظام مشروطه ساخته طبقات حاکم برای فریب طبقات فرودست جامعه و تداوم سلطه خود بر آنها است. مجلس شورای ملی به‌عنوان نماد نظام مشروطیت در ایران «مؤسسه دغل‌بازی» و نمایندگان آن به طعنه «وکلائی باشرف» نامیده می‌شدند که در تسخیر «یک مشت مردمان هرزه مفتخور» است. وقتی که طبقات ثروتمند ایران با طمطراق و هیمنه راجع به مجلس شورای ملی همان مجلسی که قسمت عمده آن را ملاکین و آخوندها و پشت‌میزنشین‌ها اشغال کرده و یک نماینده دهاقین و کارگران در آن یافت نمی‌شود فریاد می‌کشند، بی‌اختیار انسان سؤال می‌نماید که آیا در حقیقت تمام ملت ایران، عبارت از ملاکین و روحانیون و یک مشت مردمان هرزه مفتخور می‌باشند؟ واضح است که چنین نبوده و اسم این مؤسسه دغل‌بازی را از این جهت مجلس شورا گذارده‌اند که توده ملت را گول بزنند و الا روح ملت ایران کجا از این مجلس و وکلای باشرف آن خبردار می‌باشد.<sup>۵۶</sup>

حزب کمونیست ایران آشکارا مخالف پارلمانتاریسم بود و آن را وسیله فریب توده زحمتکش از سوی طبقات حاکم می‌دانست. «فرقه کمونیست ایران مخالف با جمهوریت پارلمانی است. زیرا که اصول پارلمانی وسیله فریب توده زحمتکش از طرف طبقات حاکمه می‌باشد».<sup>۵۷</sup> در مقابل، نظام سیاسی مطلوب، در جمهوری انقلابی جست‌وجو می‌شود که در آن «همه قوای مقننه و مجریه در مرکز و محل در دست مجامع ملی افتاده و رل قطعی را هم در این مجامع، نمایندگان توده انقلابی بازی خواهند نمود».<sup>۵۸</sup> بنابراین، دسته‌ها و گروه‌های انقلابی عصر مشروطه با دیده تردید و دشمنی به نظام مشروطه و نمادهای آن از جمله مجلس شورای ملی می‌نگریستند و خواستار جایگزین کردن آن با یک نظام آرمانی دیگر بودند.

## ۹- خشونت و ترور

یکی از عناصر و ارکان اصلی سازنده هویت انقلابی در ایران، خشونت سیاسی بود که در خاستگاه به عنصر جدانشدنی انقلابی‌بودن مبدل شد. از نظر انقلابیون ایرانی، وضع موجود باید به وضعیتی

۵۵. شاپور رواسانی، نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، ۳۳۱.

۵۶. دو سند از فرقه کمونیست ایران، ۶۵

۵۷. دو سند از فرقه کمونیست ایران، ۶۸

۵۸. دو سند از فرقه کمونیست ایران، ۶۸

«یوتوپایی» یا آرمانی می‌رسید و این فاصله فقط باید با تکیه بر اعمال خشونت پر می‌شد. به بیانی دیگر، انقلابیون ایرانی آینده را از آن خود می‌دانستند، به فلسفه قطعی و جبری تاریخ اعتقاد داشتند و چنین می‌پنداشتند که مسیر تاریخ به صورت قطعی و حتمی به سوی جامعه آرمانی مطلوب آنان حرکت می‌کند.<sup>۵۹</sup> بنابراین، این آینده‌گرایی و تصور جامعه آرمانی، زمینه‌های فکری توسل به خشونت را در عاملان خود برای سرعت‌بخشیدن به حرکت تاریخ و دستیابی سریع‌تر به آن جامعه آرمانی پدید آورد. در این پروژه هویت‌سازی از اعمال خشونت در نبرد قدرت و برای ساختن و تشدید تمایز بین ما و دیگری استفاده می‌شد. انقلابیون ایرانی روحیه عمل‌گرایی نیرومندی داشتند و تئوری‌پردازی صرف را در مبارزه سیاسی کافی نمی‌دانستند.

آنها اعمال خشونت‌بار مانند ترور مخالفان یا تصفیه درونی را در جهت تحقق آرمان‌هایشان مجاز می‌دانستند و در عرصه عمل سیاسی بارها به آن توسل می‌جستند. انقلابیون ایرانی در رقابت برای کسب قدرت دست به کار خشونت شدند. آنها با تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی سرنوشتی جز حذف، برای غیرخودی‌ها قائل نبودند و حتی خودی‌ها نیز از این سرنوشت در امان نبودند.<sup>۶۰</sup> نویسنده سلسه مقالات ترور، که در چند شماره متوالی روزنامه *ایران نو* منتشر شد، بحث ترور را برای نخستین بار به صورت منسجم و مستدل معرفی کرد. در این مقالات «ترور و تولید دهشت ناگهانی، وسیله‌ی اجرای مقصود» دانسته می‌شد که هدف آن «تخریب و سرنگون کردن، یک ترتیبی می‌باشد که متعاقبش در سیاست تبدیل و تغییری به‌ظهور رسد و یا اوضاع حاضر کسب بهبودی نماید».<sup>۶۱</sup>

به رغم اینکه در سنت سیاسی و فرهنگی ایران پیشامدرن، نمونه‌هایی از اعتقاد و عمل به ترور وجود دارد، اما ترور در معنای جدید آن را انقلابیون ایرانی مطرح کردند. معمولاً اسماعیلیان به‌عنوان گروهی معتقد به خشونت سیاسی و ترور مخالفان شناخته می‌شوند. اسماعیلیان، ترور و خشونت را با اهداف دینی و در مناقشه‌های خود با سایر گروه‌های مذهبی به‌کار می‌گرفتند و هرگز آن را

۵۹. رساله مهم و تأثیرگذار «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون - اعتدالیون» اثر رسول‌زاده، نمونه پیشگام در بهره‌گیری از تحلیل جبرگرایانه از تاریخ است. مفهوم «قانون تکامل» یکی از پرکاربردترین مفاهیم در این رساله است. محمدامین رسول‌زاده، «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون اعتدالیون»، در اتحادیه، مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دوره دوم مجلس شورای ملی، ۵۹ - ۸۶.

۶۰. تصفیه‌های درونی فاجعه‌بار با سرنوشت گروه‌های انقلابی ایرانی در هم تنیده شد. در عصر مشروطه نمونه‌هایی از این تصفیه‌ها رخ داد و پس از آن به دلایل مختلف بازتولید شد. یوسف خزدوز یکی از نخستین قربانی‌های تصفیه درونی سازمان‌های انقلابی بود که مرکز غیبی تبریز فرمان ترور او را صادر کرده بود. احمد کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، چ شانزدهم (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ۴۶۶ - ۴۶۷.

۶۱ «ترور»، *ایران نو*، سال ۲، ۹ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره ۴۴، ۲.

همچون ابزاری در مبارزهٔ سیاسی در نمی‌یافتند.<sup>۶۴</sup> انقلابیون ایرانی به ماهیت سیاسی ترور کاملاً آگاه بودند و بر آن تأکید می‌کردند. در سلسله مقالات ترور ایران نو به هدف سیاسی ترور تصریح شده و چنین آمده بود که «ترور، افراد را برای مقاصد سیاسی از میان برمی‌دارد».<sup>۶۳</sup> حتی قتل ناصرالدین‌شاه به دست میرزا رضا کرمانی را نمی‌توان ترور در معنای جدید آن محسوب کرد و آن را باید تنها انتقامی شخصی دانست؛ زیرا برنامه و نقشه‌ای سازمانی در کار نبود. میرزا رضا کرمانی در بازجویی‌ها انگیزه‌اش را ظلم و ستم عمال حکومت قاجار می‌داند. نه میرزا رضا کرمانی را می‌توان انقلابی دانست و نه قتل ناصرالدین‌شاه برنامه‌ای انقلابی بود. او در بازجویی خود گفت: «من قدری هستم و مؤمن به قدر و معتقد که بی حکم قدر برگ از درخت نمی‌افتد».<sup>۶۴</sup>

استفاده از ابزار ترور با بازگشت ایرانیان انقلابی از روسیه به ایران شروع شد. بسیاری از انقلابیون ایرانی که از قفقاز برمی‌گشتند «تفنگ‌هایشان را هم با خود آورده بودند».<sup>۶۵</sup> اجتماعيون عاميون در اعلامیه‌های خود از آمادگی برای اعمال خشونت در جهت مقابله با دشمنان مشروطه سخن به میان آورد. یکی از انتباه‌نامه‌های اجتماعيون عاميون با لحنی خشونت‌بار مخالفان خود را چنین تهدید کرد: «ما ملت ایران هم این شا الله به زودی به حول و قوهٔ پروردگار، معاینهٔ شما بدکرداران لامذهبان بدنیتان می‌نماییم. چنان خیال نکنید، نارنجک، بمب، ما می‌گوییم دروغ است. نه به سر نامبارک شما این شا الله به زودی می‌بینید چطور بدن کثیف شما را می‌سوزانیم».<sup>۶۶</sup>

گروه‌های انقلابی تبریز و رشت نیز سلاح برگرفته بودند یا برای تأمین سلاح از انقلابیون روسی درخواست کمک می‌کردند. به روایت یکی از اعضای اجتماعيون عاميون تبریز «با کمال حیرت و تعجب مشاهده کردیم که به داخل خانه‌ای دلالت شدیم که به هیچ عنوان روشنایی نداشت و کسانی که با ما صحبت می‌کردند در تاریکی، برق اسلحهٔ آنان مشاهده می‌شد و در ظلمت تاریکی کوچک‌ترین علامتی جهت شناسایی از آنها مشاهده نکردیم».<sup>۶۷</sup> کمیتهٔ رشت یکی از اعضای خود را برای به‌دست‌آوردن سلاح روانهٔ تفلیس کرد. او توانست قول همکاری سوسیال دموکرات‌های

---

۶۲ برای قتل‌های مخالفان اسماعیلیان بنگرید به عطاملک بن محمد جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۳، به تصحیح محمد قزوینی (تهران، هرمس، ۱۳۸۷)، ۷۹۴ - ۸۰۲؛ همچنین برای تفاوت بین ترور در معنای سیاسی جدید آن و قتل مخالفان در دوران قدیم بنگرید به سفیری، کالبدشکافی خشونت.

۶۳ «ترور»، ایران نو، سال ۲، ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره ۵۸، ۲.

۶۴ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج اول، ۵۹۸.

۶۵ ادوارد براون، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمهٔ مهری قزوینی (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۶)، ۲۷۸.

۶۶ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج اول، ۶۰۸ - ۶۱۲.

۶۷ طاهرزاده بهزاد، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، ۶۳.

روسی را جلب کند. حزب سوسیال دموکرات روسیه نیز یکی از برجسته‌ترین اعضای خود به نام سر گواورژینیکیدزه را به رشت فرستاد. در آن زمان حزب سوسیال دموکرات با اینکه خود تحت تعقیب بود، توانست مقداری اسلحه به گیلان بفرستد.<sup>۶۸</sup> در مجلس دوم، که جو انقلابی‌گری بر اندیشه و عمل بازیگران سیاسی رادیکال غلبه یافت و نخستین سازمان‌های انقلابی تشکیل شد، لزوم اعمال خشونت، دیگر پوشیده نمی‌شد؛ بلکه آشکارا به زبان می‌آمد. برای مثال، جمعیت اتفاق و ترقی در یکی از بندهای نظامنامه خود اعضا را مکلف می‌کرد که دارای اسلحه باشند و تا حدودی عملیات نظامی و تیراندازی را بیاموزند.<sup>۶۹</sup>

نمونه‌های بسیاری از اعمال تروریستی یا تصفیۀ درونی این گروه‌های انقلابی اولیه را می‌توان برشمرد. در میان سازمان‌های انقلابی اولیه ایرانی، خشونت بیشتر به دو شکل ترور و بمب‌اندازی رایج بود. ترور میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان، ترور ناکام محمدعلی شاه از طریق بمب‌اندازی به کالسکه او و ترور عبدالله بهبهانی و تصفیۀ داخلی که بین دو جناح اعتدالی و دموکرات در جریان مجلس دوم شکل گرفت، از جمله ترورهای مهمی بود که انقلابیون ایرانی به خصوص حیدرخان در آن نقش داشتند.<sup>۷۰</sup>

حیدرخان عمواغلی برجسته‌ترین شخصیت انقلابی این دوران بود که ردپای او همچنان در بسیاری از تروهای پرابهام عصر مشروطه به چشم می‌خورد. حیدرخان نمونه بارز شخصیت انقلابی عمل‌گرایی بود که در طی تاریخ معاصر ایران انقلابیون بسیار دیگری مانند او قد برافراشتند. ایشان راه‌حل تمامی مسائل و مشکلات کشور را در عمل رهایی‌بخش جست‌وجو می‌کردند. حیدرخان در جو انقلابی قفقاز قد کشید و سرانجام به صورت انقلابی‌ای عمل‌گرا درآمد.<sup>۷۱</sup> به اذعان بسیاری از

۶۸. جاوید، نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادی‌خواهان جهان، ۷۶. گریگوری کنستانتینوویچ (سرگو) اورجونیکیدزه، رجل مشهور سیاسی و نظامی روس، در پاییز سال ۱۹۰۹ به ایران آمد و تا نوامبر ۱۹۱۰ در نقاط مختلف آذربایجان و گیلان به سر برد. گروه سوسیال دموکرات‌های رشت به کمک او برای اولین بار در ایران به ترجمۀ مانیفست حزب کمونیست دست زد. گرچه این ترجمه به انجام نرسید، لیکن به مثابه اولین اقدام به ترجمۀ آثار مارکسیستی به زبان فارسی قابل ذکر است. او در تمام مدت فعالیتش در ایران با لنین رابطه و مکاتبه داشت. عبدالحسین آگاهی، دوران اولیه نفوذ اندیشه‌های مارکسیستی در ایران، در خسرو شاکری، اسناد تاریخی جنبش کارگری، کمونیستی و سوسیال دموکراسی ایران، ج اول، ص ۱۸ - ۲۹.

۶۹. «نظامنامه داخلی جمعیت اتفاق و ترقی»، در اتحادیه، مراسم‌نامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دوره دوم مجلس شورای ملی، ۱۳۷.

۷۰. فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران: مجلس اول و بحران آزادی، چ دوم (تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۸)، ۱۶۹ - ۱۷۸، ۲۷۰ - ۲۷۳. عمواغلی، خاطرات حیدرخان عمواغلی: همراه با تقریرات منتشر نشده حیدرخان به خط علی‌اکبر داور، ۳۲ - ۳۳.

۷۱. دستمالچی و شاکری، اسناد تاریخی، ج ۱۹ (بی‌جا: انتشارات پادزهر، بی‌تا)، ۱۷.

اسناد و مدارک موجود، حیدرخان طراح نخستین ترور سیاسی در تاریخ معاصر ایران، یعنی ترور اتابک در روز ۲۱ رجب ۱۳۲۵ / ۸ شهریور ۱۲۸۶ بود. این ترور را یکی از اعضای اجتماعيون عاميون به نام عباس آقا تبریزی در مقابل مجلس شورای ملی انجام داد.<sup>۷۲</sup> اجتماعيون عاميون در اساسنامه مصوب مشهد، که در سال ۱۳۲۴ ق تصویب شد، گروه مسلحی با عنوان «فداییان» را که زیر نظر مجلس خصوصی هر شعبه سازماندهی اداره می‌شد، سازماندهی کردند. این گروه کاملاً مخفی بود و اعضای آن یکدیگر را نمی‌شناختند. در این اساسنامه تصریح شده بود که رئیس فداییان برای اجرای عملیات مسلحانه «اسلحه و بمب» در اختیار افراد خود قرار می‌دهد.<sup>۷۳</sup> پیش از تصویب این اساسنامه، در شعبه تهران اجتماعيون عاميون، به اذعان خود حیدرخان، ساختاری مخفی و مسلح برای انجام ترور وجود داشت که در آن درباره ترور اتابک تصمیم‌گیری شده بود.<sup>۷۴</sup>

پس از ترور اتابک در روز ۱۵ محرم ۱۳۲۶ ق محمدعلی‌شاه مورد سوء قصد قرار گرفت؛ اما جان سالم به در برد. نقشه این ترور را نیز حیدرخان عمواغلی کشیده بود و بمب را نیز خود او ساخته بود.<sup>۷۵</sup> شب ۲۴ تیر ۱۲۸۹ / ۹ رجب ۱۳۲۸ چهار نفر مسلح به خانه سید عبدالله بهبهانی، رهبر برجسته مشروطیت، رفتند و او را ترور کردند. این ترور را حیدرخان عمواغلی و سه نفر از اطرافیانش انجام دادند.<sup>۷۶</sup> کسروی می‌گوید کسانی که بهبهانی را ترور کردند «بی‌گمان از دسته حیدر عمواغلی بودند و این خون‌ریزی را با دستور تقی‌زاده کردند».<sup>۷۷</sup>

توسل به خشونت و تأیید و ضرورت اعمال آن، روز به روز از تأیید بیشتری برخوردار می‌شد. در نخستین کنگره کمونیست‌های ایرانی حزب عدالت، بر ضرورت اعمال قهر انقلابی و به‌دست‌گرفتن اسلحه برای رهایی از اسارت و سلطه امپریالیسم تأکید می‌شود: «رهایی کارگران ایرانی به جز از

---

۷۲. ابراهیم کلانتری باغمیشه‌ای، روزنامه خاطرات شرف‌الدوله (۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق)، به کوشش یحیی ذکاء (تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷)، ۱۲۱ - ۱۲۲؛ نوایی می‌گوید: «توطئه قتل اتابک فقط و فقط زیر سر حیدر عمواغلی بود»؛ عبدالحسین نوایی، «حیدرعمواغلی و محمدامین رسول‌زاده»، یادگار، شماره ۴۱ و ۴۲، (شهریور و مهر ۱۳۲۷)، ۴۳ - ۶۷

۷۳. «نظامنامه شعبه ایرانی جمعیت مجاهدین»، روانسانی، نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، ۳۲۲ - ۳۲۹.

۷۴. عمواغلی، خاطرات حیدرخان عمواغلی؛ همراه با تقریرات منتشرنشده حیدرخان به خط علی‌اکبر داور، ۳۲ - ۳۳: «قاتل حقیقی میرزا علی‌اصغر خان اتابک»، یادگار، سال ۳، شماره ۴۰، ص ۴۷ - ۵۱.

۷۵. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ۵۴۳.

۷۶. این سه نفر رجب، حسین لله و علی‌اصغر نام داشتند. حسین لله بعدها به کمیته مجازات پیوست و در ترورهای آن گروه نقش ایفا کرد. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج اول و دوم و سوم و ششم و هفتم (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳)، ۱۳۳۵ - ۱۳۳۷.

۷۷. احمد کسروی، تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴)، ۱۳۱.

راه قهر میسر نیست. ایرانی که گذشته طولانی از عظمت و آزادی دارد، امروز خود را در چنگال امپریالیسم انگلستان می‌یابد؛ ایران مجدانه در صدد است این یوغ را از گردن بیفکند. در این امر نمی‌توان موفق شد مگر از طریق توسل به اسلحه».<sup>۷۸</sup> بنابراین، توسل به خشونت و ترور در ذات گفتمان هویت‌ساز انقلابی در ایران قرار داشت و به‌کارگیری آن نه تنها ضروری و لازم، بلکه مشروع و مجاز نیز بود. در پروژه هویت‌سازی انقلابی عصر مشروطه در ایران، از عامل خشونت برای تشدید تمایز بین ما و دیگری استفاده می‌شد. از نظر آنها، خلأ بین وضعیت فعلی و شرایط آرمانی باید با تکیه بر خشونت و بارزترین نوع آن، ترور، پر می‌شد.

### ۱۰- نتیجه‌گیری

هویت انقلابی، یکی از پدیده‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است که در کشمکش‌های بین گروه‌ها و دسته‌های سیاسی مجلس دوم شورای ملی ظهور کرد. در واقع، نخستین زرمه‌های شکل‌گیری گفتمان هویت‌ساز انقلابی در ایران به مثابه مبنایی برای هویت‌یابی سیاسی در عصر مشروطیت و به‌ویژه پس از افتتاح مجلس دوم شورای ملی در میان گروه‌ها و دسته‌هایی سیاسی — که خود را انقلابی می‌خوانند و در مقابل از هویت سیاسی گروه‌های دیگر با عنوان غیرانقلابی یاد می‌کردند — به‌گوش می‌رسید. شروع جنگ جهانی اول و اشغال نظامی ایران و به‌ویژه وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه را می‌توان عصر آغازین پذیرش هویت انقلابی در ایران محسوب کرد. در این عصر هویت انقلابی به صورت پدیده‌ای مشخص ظهور کرد و از آن پس به جریانی هویت‌ساز در عرصه سیاسی جامعه ایران تبدیل شد. الگوی گفتمانی این هویت سیاسی در عصر مشروطه، پیرامون عناصری معنایی شکل گرفت که از سویی در پی تغییر بنیادی و اساسی جامعه بود و از سویی دیگر از لزوم و ضرورت به‌کارگیری ابزارهای خشن مانند ترور حمایت می‌کرد.

مهم‌ترین مضامین پرتکرار سازنده هویت انقلابی شامل تغییر بنیادی، درک زیربنایی تاریخی، حزب‌گرایی و فعالیت مخفی، اولویت سیاست، بین‌الملل‌گرایی، مشروطه‌ستیزی و مخالفت با پارلمان‌تاریسم و خشونت و ترور می‌شد. در تاریخ معاصر ایران هر گاه هویت انقلابی سر برآورده است، می‌توان در آن مهر و نشان این عناصر مضمونی پرتکرار را، که در خاستگاه هویت انقلابی ساخته شد، ملاحظه کرد. گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی در تاریخ معاصر ایران بر پایه این الگوی گفتمانی به‌وجود آمدند. تکیه بر این مضامین پرتکرار، سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی را به سازمان‌هایی

زیرزمینی، رادیکال، خشن و بدون آزادی — که خود را پیشاهنگ مبارزه انقلابی برای رهایی طبقه کارگر جلوه می‌دادند — مبدل کرد. این الگوی گفتمانی به میراثی ماندگار در عرصه سیاسی جامعه معاصر ایران مبدل شد.

## کتابنامه

### ۱- منابع فارسی

اتحادیه، منصوره (به کوشش). *مرامنامه‌ها و نظام‌های احزاب سیاسی در دوره دوم مجلس شورای ملی*. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.

احمدی، بابک. *مارکس و سیاست مدرن*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.

افشار، ایرج. *اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده*. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۹.

*ایران نو*، سال ۱، ۱ ذیقعه ۱۳۲۷، شماره ۶۷

*ایران نو*، سال ۱، ۱۳ شوال ۱۳۲۷، شماره ۵۲

*ایران نو*، سال ۱، ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۷، شماره ۱۰۲

*ایران نو*، سال ۱، ۶ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۱۶

*ایران نو*، سال ۲، ۱۱ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۲۰

*ایران نو*، سال ۲، ۱۲ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۲۱

*ایران نو*، سال ۲، ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره ۵۴

*ایران نو*، سال ۲، ۲۳ شوال ۱۳۲۸، شماره ۵

*ایران نو*، سال ۲، ۲۵ ذیقعه ۱۳۲۸، شماره ۳۲

*ایران نو*، سال ۲، ۲۶ شوال ۱۳۲۸، شماره ۷

*ایران نو*، سال ۲، ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره ۵۸

*ایران نو*، سال ۲، ۹ ذیحجه ۱۳۲۸، شماره ۴۴

آدمیت، فریدون. *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران: مجلس اول و بحران آزادی*. چ دوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۸.

آدمیت، فریدون. *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. تهران: انتشارات گستره، ۱۳۸۷.

براون، ادوارد. *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه مه‌ری قزوینی. تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۶.

جاوید، سلام‌الله. *نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادی‌خواهان جهان*. تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۴۷

جوینی، عطاءملک بن محمد. *تاریخ جهانگشای جوینی*، ج ۳. به تصحیح محمد قزوینی، تهران: هرمس، ۱۳۸۷.

دستمالچی و شاکری. *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران*، ج ۱۹. بی‌جا:

انتشارات پادزهر، بی‌تا.

دو سند از فرقه کمونیست ایران. تهران: انتشارات علم، ۱۳۵۹.

رایس، سر سسیل اسپرینگ. نامه‌های خصوصی سر سسیل اسپرینگ رایس وزیر مختار انگلیس در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.  
رواسانی، شاپور. نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران. چ دوم. تهران: انتشارات شمع، ۱۳۶۸.

سفیری، مسعود (به اهتمام). کالبدشکافی خشونت. تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.  
شاکری، خسرو. اسناد تاریخی جنبش کارگری، کمونیستی و سوسیال دموکراسی ایران، ج اول. فلورانس: بی‌نا، ۱۹۷۴.

شاکری، خسرو. پیشینه‌های اجتماعی - اقتصادی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عصر. تهران: اختران، ۱۳۸۴.

ظاهرزاده بهزاد، کریم. قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران. تهران: اقبال، ۱۳۳۴.  
عمواوغلی، حیدرخان. خاطرات حیدرخان عمواوغلی: همراه با تقریرات منتشر نشده حیدرخان به خط علی‌اکبر داور. به کوشش ناصرالدین حسن‌زاده. تهران: نامک، ۱۳۹۲.

فاستر، ویلیام، تاریخ سه انترناسیونال، ترجمه م. دائم، تهران: سحر - درفک، ۱۳۵۸.  
قانون، شماره ۲۷.

کرمانی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان. ج اول، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.

کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران. چ شانزدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.  
کسروی، احمد. تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.  
کلانتری باغمیشه‌ای، ابراهیم. روزنامه خاطرات شرف‌الدوله (۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق). به کوشش یحیی ذکاء. تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷.

مارکس، کارل و فریدریک انگلس. مانیفست کمونیست. ترجمه مسعود صابری. چ سوم. تهران: طلایه‌ی پرسو، ۱۳۹۲.

مارکس، کارل، اسناد بین‌الملل اول. ترجمه مراد فرهادپور و صالح نجفی، تهران: هرمس، ۱۳۹۲.  
ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج اول و دوم و سوم و ششم و هفتم. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳.

ملک‌خان، میرزا. مجموعه آثار میرزا ملک‌خان. با مقدمه و حواشی محمد محیط طباطبایی. تهران: کتابخانه دانش، ۱۳۲۷.

یادگار، سال ۳، شماره ۴۰، ۴۷ - ۵۱.

یادگار، شماره ۴۱ و ۴۲، شهریور و مهر ۱۳۲۷.

## ۲- منابع انگلیسی



Hannes Heer and Ruth Wodak, "Collective Memory, National Narratives and the Politics of the Past", in *The Discursive Construction of History*, edited by Hannes Heer, Walter Manoschek, Alexander Pollak and Ruth Wodak, Translated from the German by Steven Fligelstone, Palgrave Macmillan UK, 2008, 6 - 7 .

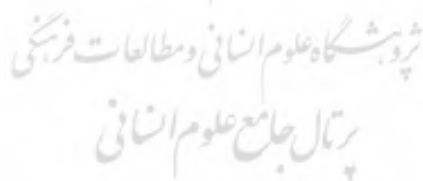
Nikki Keddie, "Iranian Revolution in Comparative Perspective," *American Historical Review*, Vol. 88, No. 3 (June 1983): 579 - 98.

Norman Fairclough, *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London, Longman, 1995, 14.

Rudolf de Cillia, Martin Reisigl and Ruth Wodak, "The Discursive Construction of National Identities", *Discourse Society*, (1999, 10): 149 - 173.

Ruth Wodak, "Discourse Studies - Important Concepts and Terms", in Ruth Wodak and Michal Krzyzanowski (Eds), *Qualitative Discourse Analysis in the Social Sciences*, Basingstoke, Palgrave Macmillan, 2008, 1 - 29.

Ruth Wodak, "The discourse - historical approach", in Ruth Wodak and Michael Meyer (eds), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: sage, 2001, 63 - 94.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی